

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دوم، شماره ششم، بهار ۱۳۸۹

ص ص ۴۳ - ۲۷

بررسی میزان سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های اجتماعی (منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین) شهر مراغه

مریم حشمت^۱

دکتر حسین بنی‌فاطمه^۲

دکتر محمود علمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۴

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های سنی (جوانان، میان‌سالان و سالمندان) و هم‌چنین گروه‌های جنسی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پرداخته شده است. سه مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی که عبارت از: اثربخشی جمعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی با معرف‌های (انسجام و همبستگی اجتماعی، کنترل هنجاری غیررسمی، اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی، مشارکت رسمی و مشارکت غیررسمی) سنجیده شد. مطالعه حاضر با استفاده از تئوری‌های سرمایه اجتماعی طرح‌ریزی شده است. تحقیق حاضر در سطح خرد و از نوع پیمایشی می‌باشد و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه همراه با مصاحبه انجام شده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل ۱۰۷۵۷ نفر از افراد حاشیه‌نشینان مراغه و نمونه آماری براساس فرمول کوکران شامل ۴۰۰ نفر می‌باشد. یک گروه ۴۰۰ نفری از غیرحاشیه‌نشینان نیز انتخاب گردیده است که از لحاظ سن و جنس دو گروه ۴۰۰ نفری با همدیگر همگن شده‌اند و در کل گروه شامل ۸۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز؛ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تبریز، ایران.

E- mail: heshmatmaryam@yahoo.com

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز.

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. گروه علوم اجتماعی. تبریز، ایران.

است. در این بررسی با استفاده از تحقیقات قبلی صورت گرفته در عرصه داخلی و خارجی و استفاده از روش اعتبار محتوایی سوال‌ها پرسشنامه طراحی گردیده‌اند. جهت اطمینان از پایایی سوال‌ها پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که با اجرای پرسشنامه در میان ۳۰ نفر از افراد نمونه، از اعتبار و روایی لازم برخوردار بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی در بین مناطق حاشیه‌نشین و مناطق غیرحاشیه‌نشین متفاوت است. همچنین شاخص‌های سرمایه اجتماعی نیز به جز مشارکت غیررسمی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت بود و این شاخص‌ها در مناطق غیرحاشیه‌نشین بیش‌تر بوده است. در کل نتایج پژوهش نشان داد که حجم سرمایه اجتماعی موجود در مناطق غیرحاشیه‌نشین بیش‌تر از مناطق حاشیه‌نشین است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، حاشیه‌نشین، غیرحاشیه‌نشین، اثربخشی جمعی، اعتماد، مشارکت

رسمی و غیررسمی.

مقدمه

سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای از روابط، تعاملات و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر این روابط می‌دانند که می‌تواند با ایجاد روح اعتماد، همگرایی و تعامل صحیح، بستر لازم را برای تحقق اهداف جامعه به وجود آورد، برای دستیابی به اهداف جمعی تکیه و تأکید بر سرمایه اجتماعی یعنی برقراری اعتماد، ایجاد روحیه همکاری و تعامل صحیح مقدم بر امور دیگر و ضروری است. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و روابط و تعاملات اجتماعی بین افراد تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد و تحولات اجتماعی بر این نوع روابط تأثیرگذار می‌باشد. یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین تحولات اجتماعی جهان در نیم قرن اخیر توسعه شهرنشینی است. فرآیند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به طور کلی و در ایران به طور خاص به دلایل خاص خود در فرآیند شتابان، به کلان شهری و قطبی شدن منجر شده است. رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان شهرها عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب‌های شهری متعدد همراه است. ناهنجاری‌های کالبدی، تأسیساتی، آسیب‌های اقتصادی، زیست محیطی، نارسایی خدماتی و رشد حاشیه‌نشینی از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان به شمار می‌روند. نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی و کاهش انسجام سنتی اجتماعی از پیامدهای رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری هستند. برخی از عواقب رشد شهرنشینی در ایران عبارتند از: الف) بالا رفتن سطح مصرف، ب) بیکاری، بیکاری پنهان و مشاغل کاذب، ج) رشد و توسعه آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری، د) افزایش انحرافات و جرایم در

محیط‌های مهاجرپذیر این مسئله به ویژه در بین کسانی که در نقاطی به طور موقت و ناشناخته زندگی می‌کنند افزایش چشم‌گیر پیدا می‌کند. توسعه حاشیه‌نشینی، توسعه سریع و برنامه‌ریزی نشده شهرنشینی موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم و تراکم بیش از حد نفرات در واحد مسکونی و بالا رفتن برخورد و تنش‌های اجتماعی می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳: ۵۱-۴۹).

گرد آمدن مهاجران با فرهنگ‌های گوناگون در محیط‌های زندگی نامناسب همراه با بیکاری و فقر منجر به ایجاد محله‌های بزهکار پرور و مشکلات گوناگون روانی می‌شود. مطالعات جرم‌شناسانه و روان‌شناسی اجتماعی همواره مهم‌ترین موضوعات خود را در شهرهای بزرگ، متراکم و میان مهاجران یافته‌اند. در کشورهای توسعه نیافته، شهرنشینی همراه با رشد خدمات مستقل از توسعه صنعت گسترش می‌یابد و به کاهش تولیدات و بیکاری‌های پنهان و آشکار و توسعه جرایم شهری منجر می‌شود. همچنین مهاجران به علت از دست دادن روابط و تعاملات اجتماعی و خویشاوندی خود که در محیط روستا وجود داشت از حمایت‌های عاطفی و همکاری بی بهره می‌گردند (همان، ۴۲-۴۱).

در حال حاضر حاشیه‌نشینی نه تنها در کلان شهرها بلکه در شهرهای کوچک‌تر هم از رشد بالایی برخوردار است با توجه به آمار سرشماری جمعیت در سال ۱۳۸۵ در شهر مراغه این نکته آشکار می‌گردد: جمعیت شهر مراغه در سال ۱۳۷۵ معادل با (۲۱۸۱۰۶) نفر و جمعیت این شهر در سال ۱۳۸۵ برابر با (۲۳۵۷۰۲) نفر بوده است. درصد شهرنشینی در سال ۱۳۷۵ برابر با ۶۱/۴ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۴/۳ درصد می‌باشد که شاهد رشد جمعیت هستیم در طی این مدت درصد رشد جمعیت شهری برابر با ۱/۲ درصد بوده و درصد رشد جمعیت روستایی برابر با صفر درصد است این اعداد و ارقام بیانگر دو مطلب می‌باشند: ۱) مهاجرت شهرنشینان از شهر کوچک مراغه به سوی شهرهای بزرگ‌تر: مرکز استان یا پایتخت ۲) مهاجرت روستاییان به شهر مراغه زیرا در طی مدت ۱۰ سال رشد جمعیت روستائین برابر صفر است. با توجه به مطالب ارائه گردیده، می‌توان به حاشیه‌نشینی و پیامدهای ناشی از آن به دید یک آسیب و مشکل اجتماعی نگریست و نباید از نظر دور داشت که علاوه بر جنبه‌های منفی حاشیه‌نشینی در ساختار اجتماعی و ساخت فضایی شهرها، این محیط برای خود حاشیه‌نشینان نیز دارای پیامدهای منفی می‌باشد از جمله موارد اشاره شده وجود جرم و بزهکاری در این مناطق، محیط نامناسب از جهت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای کودکان و نوجوانان نوعی ناامنی و عدم تأمین امکانات رفاهی، فرهنگی و امکانات لازم جهت گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان محیطی نامناسب از جهت زندگی برای این افراد به وجود می‌آورد. از آنجایی که حاشیه‌نشینان افرادی هستند که از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند و قادر به جذب در نظام اقتصادی شهر نمی‌باشند در واقع نه روستایی و نه شهری به حساب می‌آیند و از جهت خصوصیات و ویژگی‌ها متفاوت با شهرنشینان و حتی فقیران شهری می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). (در این تحقیق اصطلاح حاشیه‌نشینان تنها به مهاجران روستا به شهر ناظر است و شامل فقیران شهری نمی‌گردد).

تحقیقات متعددی که در تهران، کرج، همدان، اهواز (قبل از انقلاب) و بوشهر به عمل آمده حاکی از آن است که نه فقط حاشیه‌نشینان قشر پایین جامعه را به لحاظ اقتصادی تشکیل می‌دهند بلکه اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها مهاجر بوده‌اند. در یک تحقیق میدانی که در سال ۱۳۶۰ توسط مساواتی‌آذر در شهر تبریز صورت گرفت، بیانگر آن است که نقشه مناطق مهاجرنشین و حاشیه‌نشین با منطقه اعتیادزا و جرم‌زا قابل تطبیق بوده است (توسلی، ۱۳۸۳).

حال این سوال مطرح است با توجه به این که مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره به منابعی دارد که از طریق روابط و تعاملات اجتماعی برای کنشگران حاصل می‌گردد آیا حاشیه‌نشینان می‌توانند با افزایش مشارکت‌های غیر رسمی بین خود و همبستگی بر پایه همکاری و همیاری قادر به حل مشکلات زیستی، اجتماعی و اقتصادی خود گردند یا خیر و اصولاً روستائیان که به شهر مهاجرت می‌کنند و از سوی شهرنشینان پذیرفته نمی‌شوند. آیا توانایی گسترش همکاری بین گروهی با شهرنشینان برای رفع نابسامانی‌های خویش را دارا می‌باشند یا خیر؟ در این جا هدف طرح این مسئله می‌باشد که ویژگی‌های حاشیه‌نشینان و آسیب‌زا بودن محیط زندگی آنان چه تأثیری بر میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های حاشیه‌نشین دارد؟ و آیا سرمایه اجتماعی در بین مناطق حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای یکسان است یا خیر؟

سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است. این مساله نه تنها در اروپا و آمریکا به واسطه وجود ماهیت بسیار فردگرایانه روابط اجتماعی معاصر مورد توجه قرار گرفته بلکه در عین حال سرمایه اجتماعی به سرعت به ابزار تحلیل اصلی پژوهش‌های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. با وجود آن که در اکثر مطالعات به نقش سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلف توجه شده است. در بحث توسعه به نوعی اهمیت سرمایه اجتماعی رنگ بیش‌تری می‌گیرد. طی سالیان متمادی اکثر برنامه‌های توسعه‌ای حول محور سرمایه اقتصادی دور می‌زد و مفاهیمی مانند تولید ناخالص ملی بر اندیشه‌های توسعه‌ای مسلط بوده و اکثر این برنامه‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی و با دیگری دولتهای جهان سوم یکی پس از دیگری تنظیم و فرمول‌بندی می‌شد. ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و برنامه‌های توسعه‌ای تحت تأثیر دیدگاه‌های موجود در جهان، به صورت هنجاری و از بالا به پایین، از خارج تدوین و به محله اجرا در آمد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۷). اغلب جامعه‌شناسان عنوان کرده‌اند، سرمایه اجتماعی می‌تواند اطمینان و کاهش انحرافات و مسائل اجتماعی و توسعه همه جانبه را برای یک منطقه به ارمغان آورد. شهر مراغه نیز همانند دیگر شهرهای ایران، در دو سه دهه اخیر تعدادی از مناطق حاشیه‌ای را به خود دیده است. در این شهر مناطقی وجود دارد که با وجود قرار گرفتن در محدوده اقتصادی شهر هنوز جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. به واسطه وجود انبوهی از مسائل و مشکلات و ویژگی‌های خاص این مناطق، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد، مشارکت و ... در سطح بسیار پایینی بوده و در نتیجه از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. این سطح پایین‌تر سرمایه اجتماعی، توسعه این مناطق را کند و بعضاً غیرممکن ساخته است.

بنابراین در این مقاله سعی شده است که سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن در مناطق حاشیه‌ای و غیرحاشیه‌ای سنجیده و مورد مقایسه قرار گیرد تا از این طریق بتوان به توسعه مناطق حاشیه‌ای و کاهش معضلات آن اقدام اساسی نمود.

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی

«سرمایه ثروتی است مولد یا منبعی است که شخصی جهت ایجاد درآمد به کار می‌برد». بورديو برداشتی وسیع‌تر از سرمایه ارائه می‌دهد، به طوری که وی تصریح می‌کند سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد سود خاصی را از طریق مشارکت و رقابت بر سر آن به دست آورد. بنابراین می‌توان گفت که دریافت بورديو از سرمایه وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و هم‌چنین ملموس و غیرملموس به‌خود گیرد. سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، سرمایه دینی، سرمایه اجتماعی و انواع مختلف سرمایه به شمار می‌روند. واژه و روح سرمایه اجتماعی سابقه ذهنی و طولانی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می‌رود به بیش از ۹۰ سال پیش (۱۹۱۶) و نوشته‌های لیداجی هانیفان سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا بر می‌گردد. او در توصیف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «چیزی ملموس که بیش‌ترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها که سازنده واحد اجتماعی‌اند» (ولکاک و دیگری، ۱۳۸۴: ۵۳۴).

کلمن سرمایه اجتماعی را فرآیندهایی اجتماعی می‌داند که با تسهیل کنش اعضای خود، منافع‌شان را ارتقاء می‌دهد. بورديو موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌داند. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می‌دهد (ملاحسنی، ۱۳۸۱). فوکویاما مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی اعضای گروهی که تعاون و همکاری میان‌شان مجاز است و در آن سهیم و ذی‌نفع هستند را سرمایه اجتماعی می‌داند. تاج‌بخش سرمایه اجتماعی را به صورت آگاهی شهروندان نسبت به مسائل عمومی که در چهارچوب اعتماد و هنجارهای عمل متقابل و به واسطه تشکل‌های داوطلبانه و به صورت افقی سازمان یافته‌اند و خارج از حوزه دولت و اقتصاد قرار دارند و کنش‌های جمعی عام‌المنفعه‌ای را موجب می‌شوند، تعریف می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۴۵).

قدوسی انسجام درونی اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر کنش متقابل مردم و نهادهایی که این هنجارها و ارزش‌ها در آن جایگزین می‌شوند را سرمایه اجتماعی دانسته است (قدوسی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). تولایی و شریفیان ثانی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی

می‌دانند که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به طرز کارآمدتر، تسهیل می‌کند و این سرمایه را غالباً با تنوع مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (تولایی و دیگری، ۱۳۸۴).

حاشیه‌نشینی

صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند برخی عقیده دارند، حاشیه‌نشینی کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است و نیز حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آن‌ها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. از نظر مارشال کلینارد: «حاشیه‌نشینی مساله و عارضه‌ای شهری است و منشاء عمده بزهکاری و جرم می‌باشد و دارای اشکال مختلفی است». بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حاشیه‌نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توان‌مند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیش‌تر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پسران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آن‌ها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آن‌ها غالباً غصبی است و هم‌چنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند (گسن، ۱۳۷۷).

امروزه ساخت و سازهای غیر مجاز به گونه‌ای وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تر از سابق به شکل زاغه و ... تحت عنوان «بخش بازار غیر رسمی» در حال تکوین است. بنابراین حاشیه‌نشین فردی است که در محدوده زندگی اقتصادی و اجتماعی شهر زندگی می‌کند، ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی متعارف شهر نشده است. روشن است که حاشیه‌نشین‌ها به عنوان شهروندان رسمی و مشروع در جامعه شهری پذیرفته نشده‌اند و از این رو در حاشیه امکانات، خدمات و تسهیلات زندگی عمومی و زیربنایی شهر قرار دارند (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۲).

رابطه حاشیه‌نشینی و سرمایه اجتماعی

از دید پاتنام یکی از عواملی که سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد، حومه‌نشینی می‌باشد. «حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهری به عنوان یک عامل موثر که حدوداً ۱۰ درصد در کاهش سرمایه اجتماعی نقش دارد مطرح می‌باشد. پاتنام تاثیر حاشیه‌نشینی و پراکندگی جمعیت را در کاهش مشارکت مدنی در سه یا چهار دهه اخیر ذکر می‌کند پراکندگی و حومه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌گردد و ناهمگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه برای مشارکت مدنی می‌گردد و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط طبقاتی و نژادی محدود می‌گردد (پاتنام به نقل از ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۵۹). پاتنام اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای غلبه بر مشکلات اقدامات جمعی به کار می‌برد و سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه، هنجار و اعتماد می‌داند که هماهنگی برای سود متقابل را تسهیل می‌کند. پاتنام این مفهوم را بیش‌تر در فهم تقویت بنیادگذاری نهادهای دموکراتیک در سطوح منطقه‌ای و ملی به کار می‌برد و معتقد است که افزایش در سرمایه اجتماعی موجب بالاتر رفتن مشارکت سیاسی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). وی سه جنبه اساسی را در سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد:

- ۱- اعتماد: اعتماد از نظر او باعث تسهیل دیگری می‌شود و دیگری نیز اعتماد ایجاد می‌کند.
- ۲- هنجارهای معامله متقابل: هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن و از طریق مجازات‌ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شود. از دید او یکی از مهم‌ترین هنجارها معامله متقابل است که بر دو نوع می‌باشد. ۱- متوازن (ویژه) ۲- عمومی (شایع) ۳- شبکه‌های مشارکت مدنی: از دید او شبکه‌ها به دو گونه افقی و عمودی تقسیم می‌شوند. شبکه‌های افقی در جوامع مدنی بیش‌تر یافت می‌شود. از نظر او شبکه‌های مشارکت مدنی کنش‌های افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند و هر چه در جامعه‌ای مترکم‌تر باشد احتمال دیگری‌ی افراد در جهت منافع متقابل بیش‌تر است (همان: ۲۹۳).

پاتنام معتقد است که حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهر در کاهش سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارند. او سه دلیل را برای آن ذکر می‌کند: الف) حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد بنابراین فرصت کمتری را برای ملاقات با دوستان و همسایگان و نشست‌های عمومی پیدا می‌کند. ب) پراکندگی، حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط نژادی و طبقاتی محدود می‌گردد. بنابراین پراکندگی و حاشیه‌نشینی به عنوان مکانیسمی علیه سرمایه اجتماعی بین گروهی عمل می‌کند. ج) پراکندگی و حاشیه‌نشینی باعث از بین بردن بستگی درونی اجتماع (به واسطه فاصله محل زندگی از محل کار) می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۸۳).

فوکویاما معتقد است که اغلب تعاریف ارائه شده بر نموده‌های سرمایه اجتماعی و نه خود آن‌ها اشاره می‌کنند. او معتقد است که اعتماد، شبکه‌ها و جامعه مدنی و غیره که به سرمایه اجتماعی مربوطند، تماماً محصول جانبی این پدیده هستند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آیند ولی سرمایه اجتماعی را

تشکیل نمی‌دهند. از نظر وی سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج دیگری بین دو نفر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

او معتقد است با وجود آن که در گروه‌های سنتی همبستگی بالا و در نتیجه سرمایه اجتماعی زیادی وجود دارد ولی به دلیل شعاع ناچیز اعتماد این امر منجر به ناکارآمدی این سازمان‌ها می‌شود، همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای دیگری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و اغلب آثار خارجی منفی را برای افراد بیرونی تحمیل می‌کند (همان: ۱۷۳). فوکویاما به سرمایه اجتماعی از جنبه اقتصادی و هم‌چنین کارکردهای آن در یک دموکراسی لیبرال مبتنی بر بازار آزاد تاکید می‌کند. از نظر او، مناطق حومه‌نشین و حاشیه‌نشین شهری نسبت به دیگر مناطق از لحاظ سرمایه اجتماعی از سطح پایین‌تری برخوردارند. در این مناطق میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد و او این افزایش جرائم و مسائل اجتماعی را نشانه فقدان یا فرسایش سرمایه اجتماعی در این مناطق می‌داند.

اوفه و فوش سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع و مناطق و بخش‌ها دانسته و آن را متغیر، کوچک و بزرگ و کم و زیاد می‌دانند. آن‌ها این مفهوم را با سه عنصر توزیع می‌دهند. الف) آگاهی و توجه: شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی سیاسی و توجه به هر چیزی که در وسیع‌ترین معنا مربوط به امور عمومی باشد. ب) اعتماد: که به صورت دوگانه قوی و ضعیف مطرح می‌شود. اعتماد ضعیف شامل نبود ترس و شکست نسبت به رفتار احتمالی دیگران است و اعتماد قوی زمانی مطرح است که فرد نه تنها به افراد خوش‌بین باشد بلکه شرکت در یک فعالیت را بدون توجه به ضرر و زیان و فرصت از دست رفته یک امر خردمندانه بداند. ج) انجمن‌پذیری: دلالت بر مشارکت فعال شخص در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی دارد (اوفه و فوش، ۲۰۰۰، به نقل از ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

اوفه و فوش در گونه‌شناسی انجمن‌ها سه نوع را تشخیص می‌دهند: ۱- انجمن‌های نخستین: که شامل انجمن‌هایی با ریشه‌های قومی و خانوادگی بوده و عضویت در آن‌ها و ساختارهای آن غیر داوطلبانه بوده است. در این انجمن‌ها اهداف متغیر ولی عضویت ثابت می‌باشد. ۲- انجمن‌های سومین: شامل بنگاه‌ها و موسسات انتفاعی و احزاب سیاسی است. اهداف در این انجمن‌ها ثابت ولی عضویت متغیر است. ۳- انجمن‌های دومین: اهداف در این انجمن‌ها نه پخش شده و غیرمشخص است (انجمن‌های اولیه) و نه خاص است (انجمن‌های سومین). اعضا دارای علائق مشترک و پایدار بوده و برنامه‌ها از طریق تعامل اعضا با یکدیگر مشخص می‌شود و ترکیب و نحوه عضوگیری بر اساس اصول شهروندی است. از نظر اوفه و فوش تنها انجمن‌های دومین نشان‌دهنده و مولد کیفیت جمعی سرمایه اجتماعی است (همان: ۱۹۰). اوفه و فوش معتقدند که عامل اندازه شهر تأثیری بر روی سرمایه اجتماعی ندارد بلکه تفاوت در تعداد و نوع انجمن‌های موجود در این فضاها می‌باشد. به نظر او عضویت در انجمن‌های سومین با اعضای فراوان و روابط کمتر رو در رو در شهرهای بزرگ دیده می‌شود و در مناطق حومه‌ای و حاشیه‌نشین به واسطه تسلط

فرهنگ روستایی، بیش‌تر انجمن‌هایی از نوع ابتدایی وجود دارد. تنها در شهرهای کوچک و اجتماعات محلی که بیش‌تر تعاملات چهره به چهره بوده، انجمن‌ها از نوع دومین می‌باشد (همان: ۲۴۳).

پیشینه تحقیق

محمودی و نیک‌خواه (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شهر شیراز» انجام دادند. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است. ۵۵۷ نفر با استفاده از فرمول حجم برآورد نمونه لین از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه می‌باشد. بر اساس نظریه‌های فوکویاما، افه و فوش و همچنین دیدگاه اجتماع‌گرایی به بررسی تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پرداخته شده است. نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت بوده و در مناطق غیرحاشیه‌نشین بیش‌تر بوده است.

نقدی و زارع (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز» انجام دادند. هدف از این تحقیق بررسی میزان سرمایه اجتماعی در یکی از بزرگ‌ترین محلات حاشیه شهر شیراز یعنی شهرک سعدی بود. در این تحقیق آمده است که رشد قارچ‌گونه حاشیه‌ها علاوه بر برهم زدن فضای کالبدی شهرها و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی که با خود به وجود می‌آورد. هرگونه مدیریت شهری را با مسائل مشکلات و بحران‌های زیادی روبه رو می‌سازد که یکی از دلایل بروز این مسائل کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی در این‌گونه محلات می‌باشد، چرا که سرمایه اجتماعی از طریق اجزای خود هم‌چون اعتماد مشارکت شبکه‌های اجتماعی و ... می‌تواند باعث کاهش این‌گونه مسائل و مشکلات در محلات شهری گردد. بنابراین از آن‌جا که فرسایش سرمایه اجتماعی در این مناطق محروم می‌تواند باعث انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از جمله اعتیاد فروش و مصرف مواد مخدر فساد و فحشا و فقر بیکاری و دعوا و درگیری و ... گردد و همچنین باعث عدم موفقیت برنامه‌های عمرانی دولت جهت بهبود وضعیت کالبدی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی حاشیه‌ها گردد لذا تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند دولت را در جهت عمل کردن برنامه‌های یاری رساند.

باقری (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وقوع جرم در بین افراد حاشیه‌نشین شهر تبریز» انجام داده است. در این تحقیق عوامل فردی شامل جنسیت، سن، تحصیلات و شغل شهروندان و مشارکت اجتماعی، نگرش دینی، سطوح فقر اجتماعی، فرهنگی به عنوان متغیرهای مستقل و میزان وقوع جرم نیز به عنوان متغیر وابسته مطالعه شد. جامعه آماری شامل کلیه حاشیه‌نشینان بالای ۱۶ سال شهر تبریز است که به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. روش تحقیق از نوع پیمایشی و گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه محقق ساخته در قالب طیف لیکرت انجام شده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات اساتید و متخصصین و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که در

نتیجه سؤالات پرسشنامه از روایی و پایایی لازم برخوردار بودند. در آزمون روابط متغیرها از تحلیل‌های آماری t پی‌رسون، آزمون تفاوت میانگین مستقل T-test و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد که نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد. میزان وقوع جرم در بین مردان بالاتر از زنان می‌باشد. پاسخگویان مستاجر میزان جرم بالاتری نسبت به دو گروه دیگر داشتند. میزان وقوع جرم براساس شغل پاسخگویان معنی‌دار نبود. میزان وقوع جرم و مشارکت اجتماعی معنی‌دار به دست نیامد. ولی با متغیر نگرش دینی دارای همبستگی معکوس و با متغیر سطح فقر فرهنگی، اجتماعی دارای همبستگی مستقیم بود. برنامه‌ریزی و اختصاص بودجه به نقاط حاشیه‌ای شهر و هم‌چنین به کار گرفتن ساکنان و افراد درگیر در حاشیه‌نشینی و مشارکت فعال آن‌ها در این زمینه می‌تواند یکی از عوامل موثر در بهبود یا کاهش وضعیت حاشیه‌نشینی باشد

چارچوب نظری تحقیق و منابع استخراج یافته‌های تحقیق

نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی در مورد تفاوت مناطق از نظر وجود سرمایه اجتماعی به مطالعات گوناگونی پرداخته‌اند و با وجود نوع مناطق، علت‌های مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند. فوکویاما در کارهای خود در مورد سرمایه اجتماعی به تفاوت مناطق مختلف از نظر سرمایه اجتماعی پرداخته و معتقد است که مناطق حومه‌ای و حاشیه‌ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش را میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند که در مناطق حاشیه‌نشین بیش‌تر است. پاتنام نیز در بررسی‌های خود به تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی پرداخته و با ذکر دلایل معتقد است که مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از لحاظ اعتماد، مشارکت و هنجار نسبت به مناطق غیرحاشیه‌ای تفاوت اساسی می‌پذیرد. اوفه و فوش نیز در مقالات خود بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی انسانی به محله‌ها و شهرهای مختلف و تفاوت سرمایه اجتماعی در این مناطق پرداخته است. اوفه و فوش به تفاوت میان انجمن‌ها اشاره کرد و انجمن‌هایی از نوع دومین و عضویت در آن‌ها را نشانه و مولد سرمایه اجتماعی می‌دانند. آن‌ها ضمن استدلال‌هایی معتقدند که در مناطق حاشیه‌نشین بیش‌تر انجمن‌های از نوع اولیه وجود داشته و در شهرهای بزرگ نیز انجمن‌هایی از نوع سومین وجود دارد، تنها در شهرهای متوسط و کوچک انجمن‌های دومین وجود دارد بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنند که در مناطق حاشیه‌ای و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای متوسط و کوچک از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. در این تحقیق، فرضیه‌های ارائه شده بر اساس ترکیبی از نظریات پاتنام، فوکویاما، اوفه و فوش ارائه شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان سرمایه اجتماعی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است
- ۲- میزان اثربخشی جمعی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.
- ۳- میزان اعتماد در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.
- ۴- میزان مشارکت رسمی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.
- ۵- میزان مشارکت غیررسمی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی، تحلیلی است که با استفاده از روش پیمایش به انجام رسیده است. با استفاده از روش اسنادی و استفاده از یافته‌های پیشین به ساخت شاخص‌های مناسب برای سنجش متغیرهای پژوهش پرداخته شد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل افراد ۲۰ سال به بالای مناطق حاشیه‌نشین شهر مراغه می‌باشد که با استناد به نامه دریافتی از سوی فرمانداری شهر مراغه مشتمل بر محله زینال‌آباد واقع در شرق و شمال شرقی تپه معدنی سنجان به طور کامل و محله میکائیل‌آباد به غیر از حاشیه اتوبان امیرکبیر می‌گردد و با درخواست آمار جمعیتی این حوزه‌های (۴۱، ۳۴) واقع در منطقه ۲ مراغه از واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران جمعیت این مناطق برابر با ۱۰۷۵۷ نفر می‌باشد برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده گردیده است:

$$n = \frac{Nt^2 \cdot S^2}{Nd^2 + t^2 \cdot S^2}$$

$$N=10757; t=1/96 \text{ سطح اطمینان}; d=0/05 \text{ دقت احتمال و } s^2=p(1-p) \text{ و } p=q=0/5$$

در نتیجه حجم نمونه حاصل برابر با ۳۸۲ نفر به دست آمده است که برای جلوگیری از خطای احتمالی حجم نمونه ۴۰۰ نفر به شرح جدول (۱) در گروه‌های سنی و جنسی تعیین گردید.

جدول شماره (۱): گروه‌های سنی و جنسی

جمع کل	۶۰ سال به بالا	۳۰، ۵۹	۲۰، ۲۹	جنس	
				سن	جنس
۲۰۳	۲۱	۱۱۵	۶۷	مرد	
۱۹۷	۱۹	۱۱۳	۶۵	زن	
۴۰۰	۴۰	۲۲۸	۱۳۲	جمع	

از آن‌جا که در این تحقیق به بررسی سرمایه اجتماعی در میان دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین پرداخته شده است. بر اساس نمونه آماری یک گروه از غیرحاشیه‌نشینان نیز انتخاب گردیده‌اند. بدین معنی که دو گروه (۱ حاشیه‌نشین ۲) غیرحاشیه‌نشین هر کدام به حجم ۴۰۰ نفر طبق جدول فوق داریم (از لحاظ سن و جنس، همگن شده‌اند).

روش نمونه‌گیری روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است بدین ترتیب که ابتدا از هشت حوزه منطقه حاشیه‌نشین شامل حوزه‌های (۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱) شهری با استفاده از جدول اعداد تصادفی پنج حوزه انتخاب گردید و پس از آن در هر حوزه انتخاب شده، بعد از مشخص نمودن تعداد بلوک‌های موجود در هر حوزه با استفاده از جدول اعداد تصادفی شش بلوک انتخاب گردید و در هر کوچه از خانه‌های مسکونی موجود یک خانه انتخاب سپس با فاصله دو خانه منزل مسکونی بعدی انتخاب گردید و بر اساس آمار جمعیتی در هر حوزه و بلوک و نمونه آماری که به صورت طبقه‌بندی شده متناسب با حجم می‌باشد اطلاعات لازم به وسیله پرسشنامه و مصاحبه گردآوری گردید. لازم به ذکر است در هر خانواده افرادی مورد پرسش قرار گرفته‌اند که در دامنه سنی ۲۰ الی ۶۰ سال به بالا قرار داشته‌اند. هم‌چنین در منطقه غیرحاشیه‌نشین براساس نامه شهرداری مراغه از مناطق انتخاب شده تعداد پنج حوزه شهری با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب گردید و ادامه مراحل مانند منطقه حاشیه‌نشین می‌باشد.

اعتبار و پایایی سوال‌ها و گویه‌ها

جهت تعیین اعتبار و پایایی تحقیق، پیش‌آزمون در بین ۳۰ نفر از افراد نمونه اجرا گردید و پس از تجزیه و تحلیل سوال‌ها، پرسشنامه اصلی تنظیم گردید. جهت تعیین اعتبار ابزار تحقیق از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوا است و با گردآوری نظرات داوران و تحقیقات پیشین که در این زمینه صورت گرفته است معرف‌ها گزینش شدند. جهت پایایی ابزار تحقیق پس از انجام پیش‌آزمون از روش انسجام درونی به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش همبستگی بین گویه‌های هر یک از شاخص‌ها استفاده گردید. که پایایی سئوالات و گویه‌های همه سازه‌های مورد بررسی دارای پایایی لازم بودند از این رو توصیف و آزمون روابط متغیرها از نظر علمی معتبر است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، درصد معتبر و درصد تجمعی، میانگین، نمودارهای آماری و ... استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی نیز با استفاده از آزمون پارامتری t برای گروه‌های مستقل با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS به انجام رسیده است.

جدول (۲): خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه‌ها	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	نتایج
۱	میزان سرمایه اجتماعی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.	T-test	۰/۰۰۰	- تایید وجود تفاوت - کاهش سرمایه اجتماعی در گروه حاشیه‌نشین
۲	میزان اثربخشی جمعی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.	T-test	۰/۰۰۱	- تایید وجود تفاوت - کاهش اثربخشی جمعی در گروه حاشیه‌نشین
۳	میزان اعتماد در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.	T-test	۰/۰۰۰	- تایید وجود تفاوت - کاهش اعتماد در گروه حاشیه‌نشین
۴	میزان مشارکت رسمی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.	T-test	۰/۰۰۱	- تایید وجود تفاوت - کاهش مشارکت رسمی در گروه حاشیه‌نشین
۵	میزان مشارکت غیررسمی در گروه‌های حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین متفاوت است.	T-test	۰/۲۱	- تایید وجود تفاوت - کاهش مشارکت غیررسمی در گروه حاشیه‌نشین

بحث و نتیجه‌گیری

در نمونه کل که مشتمل بر ۸۰۰ نفر می‌باشد: ۳۹۳ نفر زن و ۴۰۶ نفر مرد و ۱ نفر بدون جواب قرار دارد. به صورتی که ۴۸/۸ درصد از افراد مورد مطالعه را در کل زنان و ۵۱/۲ درصد از افراد مورد مطالعه را مردان تشکیل می‌دهند. هم‌چنین در نمونه کل ۲۶۴ نفر در گروه سنی جوانان (۲۰-۲۹ سال) و ۴۵۶ نفر در گروه سنی (۳۰-۵۹ سال) میان‌سالان و ۷۹ نفر در گروه سنی سالمندان (۶۰ سال به بالا) قرار دارند و در واقع ۳۳ درصد را جوانان، ۵۷ درصد از افراد را میان‌سالان و ۱۰ درصد از افراد مورد مطالعه را سالمندان تشکیل می‌دهند. هم‌چنین در هر منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین ۴۹ درصد از افراد مورد مطالعه را زنان و ۵۱ درصد از افراد را مردان تشکیل می‌دهند و از لحاظ سنی ۳۳/۳ درصد از افراد جوانان، ۵۶/۸ درصد از افراد میان‌سالان و ۱۰ درصد از افراد سالمندان هستند.

به طور کلی متوسط نمره سرمایه اجتماعی حاشیه‌نشینان شهری برابر $۸/۹۸ \pm ۴۶/۲۳$ و با حداقل $۱۸/۸۳$ و حداکثر ۷۱ و ضریب کجی برابر $۰/۰۹۲$ می‌باشد، در بعد اثربخشی جمعی در منطقه حاشیه‌نشین برابر $۱۶/۷۱ \pm ۵۶/۰۵$ ، بعد اعتماد در منطقه $۱۰/۴۶ \pm ۴۳/۹۲$ ، بعد مشارکت رسمی افراد در منطقه برابر $۱۴/۹۲ \pm ۱۷/۸۹$ ، مشارکت غیر رسمی افراد در منطقه حاشیه‌نشین برابر $۱۴/۶۹ \pm ۶۷/۰۶$ به دست آمده است. در منطقه غیرحاشیه‌نشین حد متوسط سرمایه اجتماعی برابر $۱۰/۶ \pm ۵۰/۴۵$ ، بعد اثربخشی جمعی در منطقه غیرحاشیه‌نشین برابر $۱۶/۶۱ \pm ۵۹/۹۵$ ، بعد اعتماد در منطقه غیرحاشیه‌نشین برابر $۱۰/۸۶ \pm ۵۳$ ، در بعد مشارکت رسمی در منطقه غیرحاشیه‌نشین برابر $۱۹/۶۵ \pm ۲۲/۱۰$ ، در بعد مشارکت غیررسمی در منطقه غیرحاشیه‌نشین برابر $۱۷/۷۸ \pm ۶۵/۵۷$ به دست آمده است.

در رابطه با میزان سرمایه اجتماعی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین با استفاده از آزمون T-test تفاوت معنی‌داری به دست آمد و مشخص شد که میزان سرمایه اجتماعی در منطقه غیرحاشیه‌نشین بیش‌تر از حاشیه‌نشین است. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که نوع سکونت حاشیه‌نشین، غیرحاشیه‌نشین بر میزان سرمایه اجتماعی افراد موثر است. بر اساس تئوری پاتنام که حومه‌نشینی یا حاشیه‌نشینی را یکی از عوامل موثر بر کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. هم‌چنین کلمن در بحث خود از سرمایه اجتماعی مهاجرت و نقل مکان خانواده‌ها را یکی از عوامل موثر بر کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. آفه و فوش نیز زندگی در حومه یا در شهر را عامل تأثیرگذار بر میزان سرمایه اجتماعی می‌داند. در تحقیق ناطق‌پور و فیروزآبادی یکی از عوامل موثر بر میزان سرمایه اجتماعی مهاجر یا غیرمهاجر بودن می‌باشد و میزان سرمایه اجتماعی در غیرمهاجران بیش‌تر است (ناطق‌پور، ۱۳۸۴: ۷۸). لذا فرضیه تحقیق به صورت موقت تایید می‌شود و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

در رابطه با میزان اثربخشی جمعی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از آزمون T-test استفاده شد و نتایج حاکی از آن است که سطح اثربخشی جمعی که شامل دو خرده‌مقیاس انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی می‌باشد در منطقه غیرحاشیه‌نشین بیش‌تر می‌باشد. براساس تئوری بی‌سازمانی اجتماعی عواملی چون کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تقیدهای خویشاوندی که به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شوند از پیامدهای صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده است. در مناطق حاشیه‌نشین به جهت این‌که مهاجران از مناطق مختلف می‌آیند و دارای فرهنگ‌های متفاوت می‌باشند و پیوندهای خویشاوندی و خانوادگی آنان از محیط سنتی روستا قطع شده است، انسجام و همبستگی در میان ساکنین قاعدتا در سطح پایین‌تر می‌باشد. هم‌چنین به جهت ناشناس بودن این افراد نسبت به یکدیگر معمولاً کنترل اجتماعی غیر رسمی در این مناطق در سطح پایین‌تر می‌باشد.

در رابطه با میزان اعتماد در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از آزمون T-test استفاده شد و نتایج حاکی از آن است که تفاوت معنی‌دار میان دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از لحاظ سطح

اعتماد وجود دارد و سطح اعتماد غیرحاشیه‌نشینان از حاشیه‌نشینان بیش‌تر می‌باشد. بر اساس تئوری فرهنگ فقر اسکارلونیس که بی‌اعتمادی را یکی از ویژگی‌های حاشیه‌نشینان می‌داند. بدین معنا که حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان از نظر سطح اعتماد تفاوت دارند و به دلیل عدم توجه مسئولین سازمان‌های دولتی به وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان و بهبود شرایط محلات مسکونی مناطق حاشیه‌نشین نوعی بی‌اعتمادی نسبت به سازمان‌های دولتی در حاشیه‌نشینان شکل می‌گیرد. هم‌چنین وجود نابرابری‌های اجتماعی و عدم توزیع عادلانه درآمدها افراد را نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی بی‌اعتماد می‌گرداند. در تحقیقی که ناطق پور و فیروزآبادی پیرامون عوامل موثر بر میزان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن انجام داده‌اند نیز بیان نموده‌اند که اعتماد نهادی غیرمهاجرها نسبت به مهاجران بیش‌تر است (ناطق پور، فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۸۰).

در رابطه با میزان مشارکت رسمی و غیر رسمی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین از آزمون T-test استفاده شد و نتایج حاکی از آن است که میان نوع سکونت و میزان مشارکت رسمی رابطه وجود دارد. بر اساس تئوری سرمایه اجتماعی چلبی ملاحظه می‌گردد که موقعیت اجتماعی افراد در نوع روابط اجتماعی آنان تأثیرگذار است و افراد طبقات پایین از روابط اجتماعی کمتری برخوردار هستند. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون t -test نشان داد بین منطقه سکونت (حاشیه‌نشین، غیرحاشیه‌نشین) و میزان مشارکت غیررسمی رابطه وجود ندارد.

پیشنادهای تحقیق

۱- از آن‌جا که در کشور ما سرمایه اجتماعی به معنای واقعی آن مانند کشورهای اروپایی و آمریکایی وجود ندارد. به بیان صریح‌تر نبودن سازمان‌های داوطلبانه مردمی به معنای واقعی انجمن‌ها (NGO) که کنترل سازمانی در آن‌ها از پایین به بالا در نتیجه فضا و محیط فعالیت‌های خیرخواهانه و مردمی برای رفع معضلات اقتصادی، اجتماعی وجود ندارد و چند سازمان موجود آن هم در شهرهای بزرگ که به صورت محدود فعالیت می‌نمایند تحت نظارت دولت صحنه مشارکت‌های اجتماعی و مردمی را بسیار محدود ساخته است و ضروری است برای رفع برخی از معضلات اقتصادی، اجتماعی جامعه امروز ما بر تعداد سازمان‌های داوطلبانه مردمی که به صورت مستقل فعالیت می‌کنند افزوده شود.

۲- با رفع نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی امید به بهبود وضعیت قشرهای پایین‌تر جامعه امکان‌پذیر خواهد بود.

۳- با توجه به دیدگاه افه درباره اعتماد تنها زمانی می‌توان کیفیت نظم اجتماعی و کارایی استفاده از ابزار قدرت و دانش را به شدت افزایش داد که بتوان از اعتماد به عنوان سرچشمه همکاری اجتماعی صیانت نمود و از آن‌جا که باتوجه به نتایج تحقیق حاضر سطح اعتماد در میان حاشیه‌نشینان نسبت به غیرحاشیه‌نشینان کمتر است نهادها و سازمان‌های دولتی می‌بایست با بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی و زیستی حاشیه‌نشینان به افزایش سطح اعتماد در میان آنان کمک نمایند.

۴- از عواقب عدم اعتماد افراد به نهادها و سازمان‌های دولتی می‌توان به بروز خشونت‌ها و آشوب‌های خیابانی اشاره نمود. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد مسئولین سازمان‌های دولتی با ایجاد مراکز فرهنگی و تفریحی و ایجاد امکانات رفاهی در مناطق حاشیه‌نشین از بروز ناراضی‌های اجتماعی در این مناطق جلوگیری نمایند به خصوص جوانان در این مراکز جذب گردند.

۵، ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پرکردن اوقات فراغت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- أفه، ک. (۱۳۸۴). *چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت*. ترجمه: اه خاکباز و دیگری. تهران: نشر: شیرازه.
- باقری، ر. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل موثر بر وقوع جرم در بین افراد حاشیه‌نشین شهر تبریز*. اولین همایش ملی مهاجرت، نظم و امنیت پایدار و نقش آن در توسعه ایران اسلامی.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*. ترجمه: اه خاکباز و دیگری. تهران: نشر: شیرازه.
- توسلی، غ. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی شهری*. دانشگاه پیام نور.
- تولایی، ن و دیگری. (۱۳۸۴). *نقش سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی برای رفاه اجتماعات محلی*. مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حاج‌یوسفی، ع. (۱۳۸۴). *حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن، هفت شهر*. فصلنامه عمران و بهسازی وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره هشتم، تابستان.
- فوکویاما، ف. (۱۳۸۴). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه: غ، توسلی، تهران: نشر حکایت قلم نوین.
- قدوسی، ح. (۱۳۸۴). *رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی*. مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گسن، ر. (۱۳۷۷). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه: م، کی‌نیا، نشر: مجد.
- محمودی، ا و دیگری. (۱۳۹۱). *بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین شیراز*. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
- ملاحسنی، ح. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز، نشر: نوید.

ناطق پور، م و دیگری. (۱۳۸۴). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ص ۵۱ تا ۹۵.

نقدی، ا و دیگری. (۱۳۹۱). فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز.

ولکاک، م و دیگری. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری، سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه. گردآورنده: کیان تاخبخش، ترجمه: ا، خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.

Putnam. R (2000). **Bowling alone: American's Declining social capital**. Journal of democracy, Vol 6.

Archive of SID